



ردیف آقا حسین قلی

تقریر: علی اکبر شهنازی تحریر: فرهاد ارزنگی



انتشارات سوره مهر (وابسته حوزه هنری)

مرکز موسیقی

دایره آفاق حسین قلی

* تقریر: علی اکبر شهیدی | ویر: غلامرضا ارزنگی | مقابله و بازنگری: ارشد تهماسبی *

چاپ، صحافی و لیدگانی: واحد پردازش اندیشه-چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۴ | سال: ۲۵۰۰ نسخه

شابم: ۳-۰۴-۸۰۲۶۰۰-۹۷۲۰۰

(قیمت فقط با هو لوگو، م. صحیح است)

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

طراح جلد: محمود حسینی

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴ تلفن: ۶۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۹۳۳-۶۶۴۶۶ فکس: ۶۶۴۶۹۵۱

www.sooremehr.ir



سرشناسه:
ارژنگی، فرهاد، ۷۱۳۱ - ۰۴۳۱.

عنوان و نام پدیدآور: ردیف آقا حسینقلی /
تحریر فرهاد ارژنگی؛ تقریر علی اکبر شهنازی؛ بازنگری و
مقابله ارشد تهماسبی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۹۳۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص: پارتیسیون.

شابک: ۹۷۹-۰-۸۰۲۶۱۹-۰۴-۲.

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

وضعیت موسیقی ایرانی: دستگاه‌ها: ردیف - پارتیسیون

وضعیت موسیقی ایرانی: دستگاه‌ها: ردیف

وضعیت موسیقی برای تار: پارتیسیون

وضعیت آفرین: شهنازی، علی اکبر، ۶۷۲۱ - ۳۱۳۱.

وضعیت آفرین: تهماسبی، ارشد، ۶۳۳۱ -

شناسه افزوده: جناب: رزا، حسینقلی بن علی اکبر، ۰۷۲۱ - ۰۴۳۱ ق.

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۴۴۱/۴۴۱ M: ۱۹۳۱ ۴۴۱

رده بندی دهکده: ۳۶۱

شماره کتابشناسی ما: ۰۴۳۱

گفتاری دربارهٔ این خانه‌گارها...

ارشد تهماسبی

پیش از این، دربارهٔ فرهاد ارژنگی، خیلی می‌نویسم. از زندگی کوتاه و سرانجام غم‌انگیزش، همین قدر باخبر بودم که دیگران بودند؛ کمی از روایت‌های شفاهی و کمی هم از اخبار پراکنده‌ای که دربارهٔ او منتشر شده بود. دربارهٔ کارش اما، یک بار از علی‌اکبر شهنازی، که در آخرین سال‌های زندگی‌اش دهه بودمش، شنیدم که ارژنگی را مستعدترین و بهترین شاگرد خود خطاب می‌کرد. در آن روز شهنازی با چشمی اشک‌آلود و با حسرت تمام، از او چون فرزندش یاد کرد. این را همه می‌دانند که هیچ‌گاه شهنازی در یادآوری شاگردانش، ارژنگی را، با آن‌که مال ما زمرگش گذشته بود، فراموش نکرد.

دی‌ماه امسال (۱۳۹۰) علیرضا میرعلی‌نقی، تلفنی اطلاع داد که خواهر کوچک فرهاد، خانم هما ارژنگی، قصد دارد بعد از پنجاه سال، یادداشت‌های بازمانده از برادر را که نت‌های مربوط به ردیف است، منتشر کند. میرعلی‌نقی از من خواست که نت‌ها را ببینم و اگر نظری در این باره دارم، کمی از دستم برمی‌آید، دریغ نکنم. با آن‌که خیلی گرفتار بودم، به پاس احترام به این هنرمند عزیز، که همیشه سر سرگذشت موسیقی و اهلش بوده است، خواسته‌اش را اجابت کردم. چند روز بعد، هر سه نفر جمع شدیم و در این باره به گفت‌وگو نشستیم.

از آن جهت که آقای میرعلی‌نقی سرگذشت فرهاد را با قلم توانای خود و با ظرافت طبعی که در این گونه نوشته‌پردازی‌ها دارد، روایت خواهد کرد، نیازی نمی‌بینم وارد این مبحث شوم و فقط به اصل موضوع می‌پردازم. قبل از آن، گفتن این مطلب را ضروری می‌دانم که اگر پیش از دیدار سه نفره‌مان احساس می‌کردم با کمی صرف وقت در این کار به زنده‌یاد ارژنگی و دوست

عزیزم، میرعلی نقی، ادای دینی می‌کنم، بعد از ملاقات با خانم هما ارزنگی، شاعره هنرمند، انگیزه‌ام برای این کار دوچندان شد. شوقی که این بانوی محترم برای زنده کردن نام برادرش، پنجاه سال بعد از مرگ او داشت، هر کسی را به یاری او برمی‌انگیخت. از فرهاد ارزنگی دو دفتر، حدود ۱۵۰ ورق بزرگ، باقی مانده است، که به ۵۲ یا ۵۳ سال قبل مربوط است. او در این دفترها، با خطی خوش و خوانا، ردیف‌های علی‌اکبر شهنازی را نت‌نگاری کرده است. اولی ردیف «میرزا حسین قلی» است، که علی‌اکبر شهنازی راوی آن ردیف «دوره عالی» است، که ساخته و پرداخته خود شهنازی بوده است.

دقت و صحت کار ارزنگی، در نگارش ردیف‌هایی که در کلاس شهنازی مشق کرده بود، حیرت‌انگیز است. به‌خصوص این‌که او بی‌هیچ دستری به هیچ صوتی، این کار را انجام داده و فقط به محفوظات و دانسته‌های خود تکیه کرده است؛ زیرا شهنازی بعد از مرگ فرهاد، حدود سال‌های ۱۳۴۱ به بعد بود، که ردیف‌هایش را ضبط کرد. مطلب دیگری که بر ارزش کار ارزنگی می‌افزاید، این است که او از تجربه فراروی ما، که حاصل انتشار ردیف‌های مختلف و آگاهی از چگونگی سره‌ها، نگارش نویسندگان متعدد در امر نت‌نگاری ردیف است، بهره‌مند نبوده؛ زیرا در روزگار وی فقط ردیف‌های «ابو» «حسین صبا» منتشر شده بود.

ارزش دیگر کار فرهاد در این است که سن او در زمان نگارش ردیف‌ها حداکثر بیست سال یا کمتر از آن بوده است؛ زیرا قرائن نشان می‌دهند که یکی دو سال آخر عمر کوتاه ۲۲ ساله‌اش بیشتر به آهنگسازی و تدریس در هنرستان موسیقی، اجرا، و سفرهای کاری گذشته است.

مطالب و متن آهنگ گوشه‌ها در روایت ارزنگی بی‌عیب و نقص‌اند؛ فقط در عنوان‌گذاری گوشه‌ها و قسمت‌های فرعی کمی مسامحه کرده است. شاید هم قصد داشته است هنگام بازبینی آخر و در مشورت با استاد عنوان‌های فرعی را ثبت کند، تا خطایی نکرده باشد. خط‌خوردگی‌ها و یادداشت‌های قسمت راست پنجگاه ردیف «میرزا حسین قلی»، جای خالی آواز بیات ترک ردیف «دوره عالی»، و ناقص بودن آواز ابوعطای آن نشان می‌دهند که کار او هنوز تمام نشده بود.

با وجود نمونه‌های دیگری از این ردیف‌ها - که در سال‌های اخیر زنده‌یادان: حبیب‌الله صالحی (نگارنده ردیف دوره عالی) و رضا وهدانی (نگارنده ردیف میرزا حسین قلی)، و هنرمند عزیز داریوش پیرنیاکان (نگارنده ردیف میرزا حسین قلی) نت‌نگاری و منتشر کرده‌اند - بهترین کار این بود که بنا را بر مقابله روایت ارزنگی با نوشته‌های این هنرمندان بگذارم. هراس از کار سخت و طاقت‌فرسایی که معمولاً در سر و سامان دادن، بازایی، و شرح تفاوت‌های

این گونه مقابله کردن‌ها پیش رو قرار می‌گیرد، نمی‌گذاشت دست به کار شوم. با شروع کار دریافتیم که ترسی بی‌دلیل داشتم؛ زیرا هر سطر از اوراق این ۱۵۰ صفحه نشانگر این بودند که نویسنده آن‌ها هنرمندی دقیق و منظم و امانت‌دار، و خوش‌خط و حافظه بوده است. به این سبب، کار خیلی سریع‌تر از آنچه فکر می‌کردم پیش رفت.

برای مقابله ردیف «میرزا حسین قلی»، روایت رضا وهدانی را انتخاب کردم؛ زیرا وی هم‌دوره فرهاد و گویا دوست و هم‌کلاسی او بوده، و در همان سال‌ها از شهنازی درس می‌گرفته است. این انتخاب سبب شد مطمئن شوم که مطالبی که شهنازی به این دو آموزش داده است، خیلی نمی‌توانسته زیاده‌بار باشد. بعد از مقابله، هر دو نسخه را با اندک اختلاف جزئی کاملاً برابر یافتم.

— در گستره حدود ۳۰ تا ۳۵ قسمت، که در روایت وهدانی وجود دارد، فقط چند قسمت در روایت ارژنگی دیده نمی‌شود. در مقابل، یک قسمت هم در ارژنگی وجود دارد که در روایت وهدانی نیامده است. چنین اختلاف‌هایی می‌توانند به کلاس درس شهنازی مربوط باشند. در شیوه آموزش سینه به سینه و شفاهی ردیف، بروز این نوع خطاها، جابه‌جایی‌ها از حباب افتاد، و از قلم افتادن بعضی گوشه‌ها بدیهی و طبیعی است.

— در یکی دو قسمت عنوان‌های ارژنگی با وهدانی اختلاف دارند، که می‌تواند به اشتباه یا نقصان حافظه هر دو راوی یا خطای شهنازی در گفتار و هنگام تدریس مربوط باشد (مثلاً در نام گوشه‌های حاجبانی و بیدگلی).

— در عنوان‌گذاری بعضی گوشه‌ها، ارژنگی لهجه و لهجی دیگری از نام‌ها را به کار برده است؛ مثلاً به جای «مخیر»، «مخبر» نوشته است. این مورد را هم باید به شهنازی مرتبط دانست. زیرا مثلاً فهرستی از نام گوشه‌های ردیف را با دست‌خط خود شهنازی دارم، که در آن «مخبر» هم دیده می‌شود.

— غیر از این‌ها، چین‌مان و ترتیب گوشه‌ها و متن مطالبشان دقیقاً همانند روایت رضا وهدانی هستند.

— ارژنگی عنوان پیشتر گوشه‌ها را به فارسی، و اسم بعضی را با حروف لاتین نوشته است. حروف B در نوشته‌های او اختصاری است برای واژه «بیشتر»؛ به این معنا که عین نتیجه تامل از یک نت بالاتر نواخته شود. برعکس، حرف K اختصاری است برای واژه «کمتر».

— برای آسان کردن کار مراجعه‌کنندگان به روایت ارژنگی، ترجیح دادم همه عنوان‌های روایت وهدانی را، صرف نظر از درستی یا نادرستی آن‌ها یا وارد شده به این بحث که این گوشه‌ها در ردیف استادان دیگر چه نامی دارند، در نت‌های ارژنگی و در جای خودشان درج کنم، تا متن مورد نظر هر فرد در اولین نگاه پیدا شود.

- دربارهٔ ردیف دورهٔ عالی هم به همین روش عمل کردم. پس از مقابلهٔ متن نتهای ارژنگی با نتهای حبیب‌الله صالحی، عنوان‌های فرعی را از روایت صالحی گرفتم و به روایت ارژنگی افزودم. بهتر دیدیم دست‌نوشته‌های فرهاد به همان صورت اصلی و بدون نت‌نویسی دوباره منتشر شوند، تا خط فرهاد و جنبهٔ یادگار بودنش محفوظ بماند. پیدایش و انتشار این نسخهٔ جدید از دو ردیف مهم و معتبر موسیقی جدای از سودمندی‌اش برای تحقیق و آموزش روایت‌گر خاطره‌ای تلخ و شیرین از تاریخ موسیقی ایران است. تلخی «نبود» ارژنگی‌ها و همهٔ خوبان دیگر را، گنج زمان، کم‌رنگ می‌کند. اما، خاطره‌ها و آثار تا ابد می‌مانند و کام دوست را شیرین می‌کنند. این کتاب، شرینی فرهاد است به دوستان موسیقی و داستان‌گویایی است از سخت‌کوشی فرهاد و پاسداری‌اش از آنچه به آن عشق می‌ورزید. گویای این است که هنرمند نوزده بیست‌سالهٔ دههٔ ۱۳۴۰ خلوت‌های عاشقانه‌اش را چگونه سیر می‌کرد. استعدادهای توانمندی‌هایی که فرهاد در عمر کوتاهش از خود بروز داد، نامش را برای اهل موسیقی آن روزگار آشنا کرد. بی‌شک اگر زنده می‌ماند، اکنون «بایور تار» بود. یاد هر دو به خیر و خوبی، و درود بر همهٔ خوبان.